

# تأثیر مشارکت مردمی بر امنیت در مناطق مرزی ایران و پاکستان (مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان)

محسن علی مددی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۳۰



## چکیده

**زمینه و هدف:** اقلیم خاص جغرافیایی شرق ایران و قرار گرفتن استان سیستان و بلوچستان در مسیر ترانزیت مواد مخدر و همچنین همسایگی با دولت‌هایی که توان کنترل مرزهای خود را ندارند (پاکستان و افغانستان) برقراری امنیت در این مناطق را دچار پیچیدگی‌ها و دشواری‌هایی کرده است. بر اساس مفروض این تحقیق اولاً هراندازه بر مشارکت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی مردم افزوده شود، برقراری امنیت پایدار قابل حصول تر خواهد بود و انگیزه‌های کسب درآمدهای غیرقانونی و پیوستن به گروه‌های مخالف نظام، پایین خواهد آمد. در ثانی ایجاد زمینه‌های مشارکت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از طریق ایجاد رابطه بهتر بین مردم و نهادهای حکومتی باعث ارتقاء امنیت در مناطق مرزی این استان خواهد شد. بر اساس مطالعه انجام شده در سه حوزه مشارکت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان داده‌های آماری در بخش مشارکت اقتصادی حاکی از این موضوع است که مشارکت اقتصادی در سطح ۲۷/۱ درصد پایین‌ترین مشارکت در سال ۱۳۹۱ در میان استان‌های کشور می‌باشد، مشارکت سیاسی نیز رقم پایینی به‌طور میانگین در انتخابات مجلس شورای اسلامی با میانگین ۵۹ درصد و ریاست جمهوری ۴۶٪ بوده است، که جزء استان‌های با مشارکت کم محسوب می‌شود در انتخابات برگزار شده وجود دارد، و همچنین در بخش اجتماعی مشارکت کمی در مقایسه با دیگر استان‌های مرکزی کشور وجود دارد. این امر اثر مستقیم بر پایین آمدن مشارکت در برقراری امنیت دارد، به‌طوری در سال‌های اخیر شاهد ناامنی‌هایی در این مناطق بوده‌ایم. البته این موضوع به شاخص‌های توسعه نیز مربوط می‌شود، توسعه ناموزون سبب شده است که مناطق مرکزی بیشتر از مناطق پیرامونی رشد داشته باشند و این موضوع موازنه را به نفع استان‌های مرکزی تغییر داده است، که یکی از دلایل اصلی پایین بودن نرخ مشارکت‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در این استان است.

**روش:** در این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است، و با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین اطلاعات آماری داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شده است.

**یافته‌ها:** در مجموع به این نتیجه رسیدیم که هراندازه میزان مشارکت مردمی در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیشتر باشد، انگیزه مردم برای مشارکت در برقراری و حفظ امنیت بیشتر می‌شود.

## واژه‌های کلیدی

سیستان و بلوچستان - مشارکت - امنیت - مرز - مواد مخدر - قاچاق

<sup>۱</sup> - کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج. Alimadadi9@yahoo.com

## مقدمه

شیوه مملکت داری و نحوه اداره امور کشورها با توجه بر دو مقوله مشارکت و یا عدم مشارکت مردم در تصمیم‌سازی‌های سیاسی همواره کانون اساسی توجهات نظریه‌پردازان و اندیشمندان سیاسی بوده است. در دوره جدید و با توجه به مفهوم جهانی‌شدن، دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که بدون توجه به مشارکت مردمی نمی‌توان برنامه‌های توسعه‌ای طراحی شده را با موفقیت کامل اجرا نمایند. برقراری امنیت در محدوده سیاسی کشور از این قاعده مستثنی نیست، هراندازه مشارکت مردم بیشتر باشد برقراری این امنیت پایدار دست‌یافتنی‌تر خواهد بود. مناطق مرزی ایران به‌خصوص شرق ایران به دلیل همسایگی کشورهای پاکستان و افغانستان (بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر جهان) و همچنین منطقه‌ای که از آن به‌عنوان مرکز امن گروه‌های بنیادگرا و تروریستی و قاچاقچیان مواد مخدر یاد می‌شود، (مرز پاکستان و افغانستان) با مسائلی مواجه است که احساس ناامنی را در این مناطق افزایش داده است. یکی از طولانی‌ترین مرزهای ایران در همجواری با کشور پاکستان قرار دارد. کمبود زیرساخت‌های اقتصادی و عدم توسعه در این منطقه، وضعیت نامتعادل و نابرابر اقتصادی و فرهنگی، فقدان نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری هماهنگ و کارآمد در این منطقه، در سال‌های اخیر تبعات گوناگونی را به دنبال داشته است. از جمله بالا بودن میزان مبادلات غیررسمی، و همچنین قاچاق کالا و مواد مخدر و ترردهای غیرمجاز را به دنبال داشته است که در نهایت به ناامنی در مناطق مرزی منجر شده است. سکونت‌گاه‌های حاشیه مرزی از جمله مناطق مهم و راهبردی برای کاهش مشکلات مذکور به شمار می‌آیند که اگر به شیوه علمی و منطقی ساماندهی شوند و توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در این مناطق اتفاق بیفتد، می‌توانند تا حد بسیار زیادی در کنترل مناطق مرزی مؤثر بوده و مشکلات این مناطق را به حداقل برسانند. هدف از این پژوهش بررسی میزان مشارکت مردم سیستان و بلوچستان در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است و رابطه آن با پایین بودن ضریب امنیتی در منطقه، در همین زمینه تلاش می‌شود پاسخ

درخور توجه به سؤال زیر داده شود، زمینه‌های مشارکت مردم در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی استان سیستان و بلوچستان چه تأثیری در افزایش امنیت سیاسی در مناطق مرزی ایران و پاکستان دارد؟

بر طبق نظریه‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی هراندازه که در هر منطقه توسعه در اشکال گوناگون آن اتفاق بیفتد به همان میزان مردم علاقه بیشتری برای مشارکت در برقراری محیطی امن تر نشان می‌دهند، زیرا فعالیت‌های اقتصادی و رشد رفاه باعث می‌شود، افراد کمتر به پیوستن به گروه‌هایی که فعالیت غیرقانونی و کسب درآمد از این طریق می‌اندیشند. در ثانی ایجاد زمینه‌های مشارکت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از طریق ایجاد رابطه بهتر بین مردم و نهادهای حکومتی باعث ارتقاء امنیت سیاسی در مناطق مرزهای ایران و پاکستان می‌شود. همچنین با شناخت پتانسیل‌ها و نقاط ضعف نواحی همجوار با مرز می‌توان به بهترین رویکرد در راستای فضای توسعه این مناطق دست یافت. توسعه‌ای که ناشی از وجود مرز و قابلیت‌های آن است، چنانچه متناسب با شرایط جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی مرزنیسان باشد، شکوفایی اقتصادی، و به دنبال آن نمود کالبدی این شکوفایی بر رخساره نواحی مرزی در پروسه‌ای کوتاه جلوه‌گر خواهد بود. از سوی دیگر مسئله امنیت در این مناطق تابع شرایط خاص این نواحی است. لزوم برقراری این امنیت از آنجایی است که امنیت در مرزها پشتوانه‌ای محکم برای امنیت با ابعاد متنوعش در داخل کشور است و هرگونه ناامنی در مرز قادر است در سامانه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد نماید. در مقابل امنیت مطلوب قادر است در حد خود امنیت مرزی و داخلی کشور را جهت توسعه همه‌جانبه فراهم نماید.

### طرح مسئله

یکی از طولانی‌ترین مرزهای ایران در همجواری با کشور پاکستان قرار دارد. باوجود بافت حاکم عشیره‌ای و قومی یکسان در دو طرف مرز و مشکلات کشور همسایه از قبیل عدم نظارت کافی بر مرز و همچنین کمبود زیرساخت‌های اقتصادی و عدم توسعه در این

منطقه، وضعیت نامتعادل و نابرابر اقتصادی و فرهنگی، فقدان نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری هماهنگ و کارآمد در این خطه در سال‌های اخیر تبعات گوناگونی را به دنبال داشته است. از جمله روی‌آوری احتمالی به مبادلات غیررسمی بخش وسیعی از اشتغال را تأمین و قاچاق کالا و مواد مخدر و تردهای غیرمجاز را به دنبال داشته است که در نهایت به ناامنی مناطق مرزی منجر شده است. از سوی دیگر مسئله امنیت در این مناطق تابع شرایط خاص این نواحی است. امنیت مرزی به معنی جلوگیری از هرگونه اعمال منافی قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل‌ونقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی از طریق دروازه‌های مجازی مرزی است. در این راستا، کشورهایی که درگیر ناامنی در مناطق مرزی خود بوده‌اند، دریافته‌اند که عمده‌ترین مسائل مربوط به این ناامنی‌ها، ناشی از شرایط توسعه‌نیافتگی و پی‌آمدهای تبعی آن بوده است. به عبارت دیگر شرایط فقر و تنگدستی در این مناطق می‌تواند محیط مناسبی جهت ناامنی و تحریک دشمنان در بهره‌برداری از سرپل‌های به وجود آمده در این مناطق گردد. در واقع توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی، ارتباط مستقیمی با عدم تعادل بین مناطق مرزی و مرکزی یک کشور دارد. توسعه سیاسی اجتماعی و اقتصادی در مناطق مرزی شرق کشور باعث ارتقاء مشارکت مردم و در نهایت منجر به توسعه امنیت می‌شود.

### ادبیات پژوهش

صرف نظر از توصیفات تاریخی انجام‌شده توسط سفرنامه نویسان و گزارش‌گران، نخستین کسی که به مشکلات استان سیستان و بلوچستان و همچنین راه‌حل‌های آن پرداخت سپهد امان‌اله جهانبانی بود که کتاب سرگذشت بلوچستان را نوشته است. در ۹ فصل نخستین کتاب، به توضیح عملکرد هیئت ایرانی، چگونگی حل اختلافات ارضی ایران و پاکستان و مراحل نصب علائم مرزی پرداخته است. ارزش تاریخی کتاب بیش‌تر به دلیل ارائه آگاهی‌های دست‌اولی از چگونگی شکل‌گیری نهایی مرزهای ایران و پاکستان در دوره عملکرد این هیئت مرزی، است. این کتاب از لحاظ ارجاع و اشاره به اسناد و مدارک

قدیمی تر در مورد مرز بلوچستان ایران و قراردادهای مرزی میان ایران و بریتانیا در مورد بلوچستان نیز حائز اهمیت است؛ از جمله بررسی مفصلی که از حکمیت گلداسمید در مورد بلوچستان در فصل های ششم و هشتم کتاب ارائه شده است. (جهانبانی، امان الله، ۱۳۳۸)

حمیدرضا محمدی در تحقیقی با عنوان "نقش بازارچه های مرزی در توسعه فضایی مناطق مرزی (محمدی، ۱۳۸۴) در خصوص بازارچه مرزی باجگیران" معتقد است با بررسی مناطق مرزی به ویژه نواحی روستاهای مرزی در مقایسه با مناطق مرکزی کشور می توان با شاخص های عمده ای از جمله انزوای جغرافیایی مناطق مرزی، دوری از قطب های صنعتی - اقتصادی و توسعه نیافتگی در ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دست یافت. از نظر وی همکاری با کشورهای همسایه در قالب بازارچه های مشترک مرزی که از شناخته شده ترین روش های توسعه اقتصادی روستاهای مرز نشین به شمار می رود، می تواند تحولی بنیادی در تولید، ایجاد اشتغال، تثبیت جمعیت مرز نشین، افزایش درآمد و نهایتاً توسعه ای پایدار ایجاد نماید و به سمت همکاری های متقابل منطقه ای هدایت شوند.

قادری حاجت مصطفی و همکاران (۱۳۸۹) به تبیین نقش بازارچه های مرزی در تأمین امنیت و توسعه پایدار نواحی مرزی با مطالعه موردی بر روی بازارچه های مرزی استان خراسان جنوبی پرداخته اند، یافته های این پژوهش نشان دهنده آن است که بازارچه های مرزی مورد مطالعه تا حدود زیادی توانسته اند بر روی نواحی پیرامونی خود تأثیر مثبت بگذارند که این امر زمینه لازم را برای افزایش امنیت در ابعاد گوناگون فراهم آورده است. (قادری حاجت، مصطفی، ۱۳۸۹)

شایان (۱۳۸۳) تنگناهای توسعه در استان های مرزی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که تفاوت های بنیادین میان استان های مرزی و سایر استان های کشور به ویژه در استان های سیستان و بلوچستان، کردستان، ایلام، کرمانشاه، آذربایجان غربی و هرمزگان وجود دارد و برآیند آن را می توان حداقل در میزان مهاجرت از این استان ها به استان های مرکزی، ملاحظه نمود. (شایان، ۱۳۸۳)

عیسی گل وردی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان محدودیت‌ها و فرصت‌های توسعه اجتماعی-فرهنگی نواحی مرزی، به بررسی مناطق مرزی و شرایط خاص این مناطق می‌پردازد، و در این تحقیق تلاش می‌شود به تغییر نگرش نسبت به مرز و مشکلات خاص این مناطق اشاره شود. همچنین به محدودیت‌های توسعه در این مناطق اشاره می‌شود. بررسی مسائل و محدودیت‌های توسعه فرهنگی-اجتماعی نواحی مرزی، امکانات، قابلیت‌ها و فرصت‌های توسعه این نواحی را بازنماید و بدین ترتیب، زمینه تغییر نگرش به نواحی مرزی و مرزنشینان کشور را فراهم آورد. (گل وردی عیسی، ۱۳۹۰)

سیما نبی زاده سرابندی در تحقیقی با عنوان "بی‌عدالتی در فرصت‌های آموزشی سیستان و بلوچستان" پژوهشی موردی بر بی‌عدالتی‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان انجام داده است. وی در ادامه به بررسی مناطق گوناگون استان سیستان و بلوچستان از جهت وضعیت آموزشی می‌پردازد. در ادامه نیز با رتبه‌بندی مناطق و نواحی آموزشی از نظر میزان دستیابی دانش آموزان دختر و پسر مقاطع سه‌گانه تحصیلی به فرصت‌های آموزشی سعی دارد. وجوه گوناگون این بی‌عدالتی را به تصویر بکشد. با توجه به تحقیقاتی که در این مورد انجام شده است، و به دلیل اهمیت رابطه مستقیم امنیت و توسعه و نیز ضرورت برقراری امنیت پایدار در این مناطق که به ایجاد امنیت در کل کشور می‌انجامد به نظر می‌رسد نیازمند تحقیقاتی از این دست می‌باشد تا بتوان دید بهتری نسبت به موضوع پیدا کرد. (نبی زاده سرابندی، ۱۳۸۴)

### مشارکت و امنیت

بنیادی‌ترین اندیشه زیرساخت مشارکت پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، همفکری، همکاری و تشریک‌مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است. (نیازی، ۱۳۸۳) اهمیت مشارکت در پیشبرد اهداف تا جایی است که در عصر حاضر و با توجه به پدیده جهانی شدن برقراری امنیت در جوامعی که از تنوع قومی برخوردار هستند همانند ایران

بدون مشارکت مردمی کار بس دشوار و پر هزینه است. کشورهای که از سابقه امپراتوری برخوردار هستند همانند ایتالیا و ایران از تنوع قومی برخوردار هستند که در صورت عدم بکارگیری‌های سیاست‌های متناسب سبب بروز مشکلات تعارض قومی می‌گردد. تجربه‌های کشورهای که توانسته‌اند از این تنوع قومی بهره‌برند، نشان می‌دهد که از طریق بالا بردن سطح مشارکت در سه سطح اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، می‌توان توسعه فراگیر را، ضمن حفظ امنیت پایدار ایجاد کرد. مشارکت اقتصادی بر شیوه و پویای تولید، روابط حاکم بر این پویا و وسایل مادی تولید برای رفع نیازهای مادی و افزایش تولید متمرکز است که در قالب مداخله و درگیر شدن افراد در نظام تصمیم‌گیری مربوط به تخصیص منابع اقتصادی و مشارکت در سیاست توسعه اقتصادی نمود پیدا می‌کند. (غفاری، ۱۳۸۰)

مشارکت اقتصادی با فرایند تولید و نظام‌های تولیدی رابطه تنگاتنگ دارد. تعاونی‌ها، سازمان‌یافته‌ترین اشکال مشارکت اقتصادی‌اند. (سعیدی، ۱۳۸۲) مشارکت سیاسی عبارت است از: هر نوع اقدام سیاسی داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا غیر سازمان‌یافته، مقطعی یا مستمر که برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح گوناگون حکومتی، اعم از محلی و ملی، روش‌های قانونی یا غیرقانونی را بکار گیرد. مشارکت سیاسی در یک حکومت دموکراسی می‌تواند به اشکال گوناگون، اعم از رأی‌گیری برای نمایندگان در دوره‌های مشخص و رأی دادن به سیاستی خاص در همه‌پرسی و تشکیل گروه‌های سیاسی، همچنین شرکت جستن در اعتراض قانونی و یا غیرقانونی، ظهور یابد. افرادی که در این مشارکت حضور دارند، انتظار دارند که این اقدامات حداقل تأثیر محدودی بر محتوای سیاست دولت داشته باشد. با این حال اثرات مشارکت سیاسی به این موضوع محدود نمی‌شود. مشارکت سیاسی همچنین باعث رضایت زندگی فردی و شادی می‌شود. (عالم، ۱۳۷۳) مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیردولتی دارند و

هدفشان مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرایند اجتماعی گوناگون در قالب سیاست‌های اجتماعی است. به عبارتی دیگر مشارکت اجتماعی بر آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند. (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹)

### امنیت در مناطق مرزی

اگرچه یکی از متداول‌ترین شیوه‌های تأمین امنیت در جوامع جهان سوم استفاده از عوامل قهرآمیز است؛ اما به تجربه ثابت شده است به‌رغم سریع‌الوصول بودن امنیت از این نوع، پایداری و دوام آن کم و ناچیز است. ثبات و پایداری امنیت تنها از رهگذر نهادینه کردن آن در یک جامعه و احساس مشارکت و مسئولیت عمومی در قبال امنیت اجتماعی حاصل می‌شود. (ston, 2001) امنیت برآیند تعامل و مشارکت همگانی کنشگران اجتماعی و در نتیجه یک تولید اجتماعی است، که با میزان احساس مسئولیت و مشارکت اجتماعی ارتباط نزدیکی دارد. همچنین مشارکت اساس زندگی اجتماعی است و این نیاز از زمانی که بشر قدم به عرصه حیات نهاد، پدید آمده است. امروزه موضوع مشارکت مورد توجه و علاقه بسیاری از سازمان‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی (دولتی و غیردولتی) است. اکثر اندیشمندان بر این اعتقادند که اگرچه تأمین امنیت وظیفه دولت‌ها می‌باشد. لکن با توجه به تحولات قرون اخیر امنیت با مشارکت شهروندان امکان‌بقاء و پایداری دارد. ماکس وبر بر این اعتقاد است که انسان از گذشته‌های دور، همیشه به دنبال امنیت بوده، منتها روزی امنیت فردی مطرح بود، اما از زمانی که شهرنشینی گسترش یافت و صنعت در خدمت شهرنشینی قرار گرفت و دولت - ملت‌ها به وجود آمدند، امنیت یک مفهوم جمعی پیدا کرد. (آرون، ۱۳۶۳) بنابراین، از آنجا که امنیت یک نیاز اولیه برای زندگی اجتماعی و جزء مهمی از حقوق شهروندی محسوب می‌شود، تأمین امنیت شهروندان از مهم‌ترین وظایف و



تکالیف حکومت به حساب می‌آید. در شرایط کنونی عده‌ای بر این اعتقادند که با توجه به پیچیدگی جوامع، گسترش شهرهای کلان و عوامل متعدد امنیت باید بر تعداد جمعیت یک جامعه قابل تقسیم باشد، که اگر دولت بخواهد به تنهایی ایجاد امنیت کند، به‌طور قطع ناموفق خواهد بود، زیرا ملت باید داوطلب آن باشند. (بیگدلی، ۱۳۸۱) در شرایط فعلی محیط امنیتی یک‌لایه پیوسته و همراه با محیط اجتماعی است که از تعامل میان عوامل مؤثر در ساخت اجتماعی پدید می‌آید. لذا در یک نظام اجتماعی برای تأمین و حفظ امنیت پایدار، درک ارتباط بین امنیت و بستر اجتماعی آن بسیار حائز اهمیت است. با توجه به این موضوع باید یک تعریف مشخص از امنیت ارائه کرد. امنیت سطوح متعددی دارد که مهم‌ترین آن امنیت در سطح خرد و امنیت در سطح کلان است. امنیت در سطح خرد شامل فرد و گروه‌های اجتماعی است، در حالی که امنیت در سطح کلان شامل دولت و نهادهای فرا فردی می‌باشد. همچنین امنیت انواع گوناگونی دارد. امنیت عمومی یا فعالیتی حکومتی، که هدفش استقرار امنیت در کشور است و این فعالیت‌ها متضمن فعالیت‌های اجتماعی و مدنی می‌باشد. امنیت سیاسی که به معنای مصون بودن و حالت فراغت مردم از تهدید یا اقدامات خلاف قانون شخص، گروه و یا دولت است. مراد از امنیت سیاسی، اطمینان شهروندان به احقاق حقوقشان از سوی دولت است. افراد جامعه هنگامی که از امنیت شخصی، عمومی و اجتماعی‌شان از جانب دولت اطمینان حاصل کنند، به امنیت سیاسی دست یافته‌اند. در آینده کشوری موفق خواهد بود که بتواند و با استفاده از راهکارهای گوناگون امنیتی بتواند جمعیت را به ماندن در نواحی مرزی و محل تولدشان علاقه‌مند نماید، از طرفی نواحی مرزی به‌واسطه دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی و توسعه نیافتگی، تفاوت‌های فاحشی از نظر برخورداری از رفاه و توسعه در مقایسه با مراکز عمده جمعیتی را دارند، که این تفاوت‌ها منجر به گسست این دو ناحیه و ایجاد یک رابطه استثماری به نفع مرکز می‌شود. شکل‌گیری رابطه مرکز پیرامون در داخل کشور، شرایط جدیدی را رقم می‌زند. در تحلیل استنباطی مرز از دیدگاه مرکز پیرامون، چنین برمی‌آید که مرزها به دلیل واقع شدن

در مناطق پیرامونی و دور از مرکز اولاً مورد بی‌توجهی کامل قرار می‌گیرند، چراکه امکان بهره‌برداری از منابع آن‌ها کمتر از مناطق نزدیک به مرکز است. ثانیاً به دلیل این بی‌توجهی حداقل منابع موجود نیز به سوی مناطق مرکزی یا مناطق نزدیک تر به آن‌ها تمایل می‌یابند. (عندلیب، ۱۳۸۰) در صورتی که ساماندهی فضایی نواحی مرزی همجوار با مرز ایران و پاکستان شرایط جدیدی ایجاد شود و همچنین امواج توسعه‌ای به نفع پیرامون تغییر کند، این رابطه نوین بین مرکز و پیرامون کاملاً با شرایط قبل متفاوت است و منجر به ایجاد همگرایی بین آن‌ها می‌شود که در صورت توفیق، نگاه جمعیت مرزنشین به سمت درون و همگرایی معطوف می‌شود، که خود باعث توسعه مشارکت در حفظ و برقراری امنیت مناطق مرزی خواهد شد. از سویی دیگر آمیخته بودن جمعیت شیعه و سنی فعالیت گروه‌های مسلح، مرز طولانی با پاکستان، قاچاق سودآور مواد مخدر، تبعیض و دسترسی آسان به سلاح غیرمجاز همگی از عواملی هستند که در جهت عکس و در جهت تضعیف امنیت استان سیستان و بلوچستان اثرگذار هستند که می‌شود با ایجاد الگوی مشارکتی به حداقل برسند.

مفهوم مرز در دوره جدید دچار تحول شده است، چند دهه پیش و حدوداً تا پایان دوران جنگ سرد، مرز، نشانگر اقتدار ملی، محدوده اعمال حاکمیت و حفظ امنیت ملی از تجاوزت خارجی بود. افزون بر این، چون مرز به عنوان خطی است که سرزمین کشور را محدود می‌کند و آن را از خارج جدا می‌سازد، مناطق داخلی، مرکزی می‌شود و مناطق خارجی پیرامونی به حساب می‌آید در فرایند انزوا و به حاشیه کشیده شدن مناطق پیرامونی، مناطق مرزی خصوصیات مناطق پیرامونی را پیدا می‌کند. بنابراین، در شرایطی که مناطق مرزی دور از مرکز یک کشور باشد، مناطق پیرامونی به حساب می‌آید. بنابراین، مناطق مرزی محل تلاقی دو پدیده ناامنی و توسعه‌نیافتگی در مناطق پیرامونی است. این توسعه‌نیافتگی اگر با تنوع قومی و فرقه‌ای در یک منطقه مرزی همراه باشد، بر پیچیدگی مسئله می‌افزاید. تنوع قومی و فرقه‌ای در یک کشور، جدای از این که در زمان وقوع بحران

می‌تواند عامل انسجام و اتحاد یک کشور باشد ولی در مقابل، در صورت سازمانی نبودن، آن‌ها عامل تفرقه و تهدیدی برای امنیت ملی کشور می‌شوند. از این رو وظیفه دولت به وجود آوردن نوعی اتحاد و همبستگی در جامعه است. کشور ایران از جمله کشورهایی است که دارای تنوع قومی و زبانی و فرهنگی و مذهبی است. مناطق مرزی ایران با توجه به موقعیت ژئواستراتژیکی که در آن واقع شده است در این مقوله قرار می‌گیرد. مرزهای شرقی که در این تحقیق به آن پرداخته شد و به ویژه استان سیستان و بلوچستان که در جنوب شرقی‌ترین منطقه کشور ایران واقع شده است به دلیل ویژگی‌های محیطی و واقع شدن در مسیر ترانزیت قاچاق مواد مخدر و کالا، احساس ناامنی در مناطق مرزی این استان به وجود آمده است. واقع شدن بلوچستان پاکستان و افغانستان در آن سوی مرز که دولت مرکزی هر دو کشور در برقراری امنیت کامل در مرزهای خود ناتوان هستند بر ایجاد این شرایط تأثیرگذار بوده است. همچنین توسعه ناموزون در ایران طی سال‌های گذشته و قرار گرفتن استان سیستان و بلوچستان در پایین‌ترین رتبه‌های توسعه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی کشوری باعث می‌شود که رشد قاچاق مواد مخدر و کالا و پیوستن به گروه‌های فرقه‌گرای سلفی در آن سوی مرز افزایش یابد. تجربه کشورهایی در نواحی مرزی با ناامنی مواجه هستند و تنوع قومی و فرقه‌ای برخوردارند، نشان‌دهنده این موضوع است که برقراری امنیت پایدار و کم‌هزینه بدون بهره‌گرفتن از مشارکت مردم امکان‌پذیر نیست.

امنیت و یا عدم امنیت در مناطق مرزی پیوند مستقیم با وضعیت مشارکت مردم در امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور دارد، به طوری که هر اندازه مشارکت بیشتر باشد، کمتر شاهد ارتکاب به اعمال خلاف قانون و در نهایت ناامنی در این مناطق هستیم. به عبارت دیگر پایین بودن مشارکت اقتصادی و به تبع آن شرایط فقر و تنگدستی در این مناطق می‌تواند محیط مناسبی جهت ناامنی و تحریک دشمنان در بهره‌برداری از سرپل‌های به وجود آمده در این مناطق گردد. همچنین در نتیجه این محرومیت تمایل به قاچاق و کسب درآمد از این

طریق بیشتر می شود و ریسک کسب درآمدهای غیرقانونی در مقابل احتمال مجازات پایین می آید. به همین ترتیب عدم مشارکت سیاسی نیز باعث می شود افراد کمتر احساس تأثیرگذاری در تعیین سرنوشت خود کنند و در نتیجه انگیزه پیوستن به گروه های جدایی طلب و ناراضی بیشتر می شود. در واقع توسعه نیافتگی مناطق مرزی، باعث عدم تعادل بین مناطق مرزی و مرکزی یک کشور می شود. همچنین با گسترش ناامنی و توسعه نیافتگی در مناطق مرزی، نتایج آن به طور مستقیم و بلافاصله به کل کشور منتقل می شود. (عندلیب، ۱۳۸۰) همان طور که اشاره شد تأمین امنیت از جمله وظایف دولت است. نظم و امنیت، لازم و ملزوم هستند به طوری که می توان گفت جامعه ای که در آن نظم نباشد، امنیتی نیز نخواهد داشت. نمی توان جامعه ای را نام برد که در طول تاریخ عاری از معضلات امنیتی بوده باشد. در یک جامعه مفاهیمی چون تعاملات اجتماعی، شکل منطقی به خود می گیرد، اندیشه ها رشد می کند، اقتصاد شکوفا می شود و حسن اعتماد عمومی و متقابل مردم نسبت به همدیگر و نسبت به دولت و به عکس، رشد و نمو می یابد و صیانت افراد در مقابل انحرافات اجتماعی تضمین می گردد. امنیت سبب تحقق عدالت می گردد. در سایه امنیت آزادی های مشروع شکل گرفته و هویت واقعی جامعه حفظ می شود و لذا توسعه یافتگی یک کشور، در گرو برخورداری از امنیت داخلی و ملی می باشد.

آنچه امنیت یک جامعه را با مخاطره جدی روبه دو می سازد، نارضایتی موجود و به تبع آن موضع گیری های نهان و آشکار است. تد رابرت گر ۱ در اثر معروف خود "چرا انسان ها شورش می کنند" با رویکردی روانشناسانه خشونت سیاسی را نیز به عنوان یکی از موارد مهم محرومیت نسبی در جوامع که می توانند عامل بروز انقلاب باشد، معرفی می کند. رابرت گر به طور کلی سه نوع خشونت سیاسی را مطرح می کند:

۱- آشوب بلوا یا غوغا که آن را خشونت سیاسی نسبتاً خودانگیخته و سازمان نیافته هم‌ره با مشارکت قابل ملاحظه مردم شامل اعتصابات سیاسی، عصیان، درگیری‌ها و شورش‌های محلی تعریف می‌کند.

۲- توطئه یا دسیسه: خشونت سیاسی بسیار سازمان یافته (برعکس آشوب) همراه با مشارکت محدود مردم نظیر سوءقصد‌های سیاسی سازمان یافته، تروریسم در مقیاس کوچک تر، کودتا.

۳- جنگ داخلی: خشونت سیاسی بسیار سازمان یافته همراه با مشارکت بسیار گسترده مردمی که به منظور سرنگونی رژیم طراحی گردیده و با جنگ‌های پارتیزانی در مقیاس وسیع، طغیان و انقلاب توأم می‌باشد. بدیهی است حجم خشونت‌های سیاسی در یک نظام و اشکال آن را تا حدی دامنه و شدت "نارضایتی سیاسی شده" تعیین می‌کند. چراکه نارضایتی تا زمانی که سیاسی نشود نمی‌تواند بر روند امور تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد و اینجاست که ظرفیت‌های قهرآمیز یک رژیم و چگونگی استفاده از آن متغیرهای مهمی در شکل و میزان خشونت سیاسی در کوتاه مدت و بلندمدت به حساب می‌آید. نتایج مطالعات و تحقیقات انجام شده بیانگر آن است که نمونه‌ها و کنترل‌های قهرآمیز رژیم سیاسی بجای آن که شدت نارضایتی را کاهش دهد، باعث ایجاد خشونت و حتی حرکت‌های انقلابی تمام عیار می‌گردد. به عنوان مثال یکی از ویژگی‌های چشمگیر در نابسامانی و درگیری داخلی ۱۱۴ کشور طی سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۵۶ انگیزه سیاسی بوده است.

انگیزه‌های نارضایتی و ایجاد خشونت در ۱۴ کشور طی سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۶۵

نوع انگیزه	آشوب	توطئه	جنگ داخلی
سیاسی	٪۹۰	٪۹۳	٪۹۸
اقتصادی	٪۱۸	٪۸	٪۳۶
اجتماعی	٪۴۳	٪۳۲	٪۸۷

## عوامل ناامنی در مرزهای شرقی ایران

وجود طولانی‌ترین مرزها و تنوع جغرافیایی، قرار گرفتن نیمی از استان‌های کشور در این مناطق و تعدد و تنوع کشورهای همسایه (۱۵ کشور) که اغلب آن‌ها دچار بی‌ثباتی با ضعف در ایجاد ثبات کامل سیاسی، اقتصادی، و امنیتی می‌باشند که لاجرم فقدان کنترل کامل مرزهای آن‌ها را به دنبال دارد. همچنین تراکم کم جمعیت، و پراکندگی آن، وجود جمعیت‌های متحرک در برخی از مناطق مرزی به همراه کمبود زیرساخت‌های توسعه و ضعف بنیان‌های اقتصادی، محرومیت و توسعه‌نیافتگی شدید و وضعیت نامتعادل و نابرابر اقتصادی، فرهنگی این مناطق با مناطق مرکزی از جمله خصوصیات مناطق مرزی ایران است. وجود قومیت‌های متنوع در مناطق مرزی و وجود ساختارهای سیاسی وابسته به قدرت‌های خارجی در برخی از کشورهای مجاور و تحمیل هزینه‌های سنگین مادی و معنوی جهت امنیت و به خطر انداختن سرمایه‌های کلان ملی در این مناطق را به دنبال داشته است. (اقبالی، ۱۳۹۰)

### افغانستان و مواد مخدر

افغانستان سرزمینی کوهستانی و محاط بر خشکی است. این سرزمین در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی و در محدوده آسیای میانه واقع است. مساحت آن ۶۴۹۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. استان‌های هلمند و ننگرهار مهم‌ترین مناطق کشت تریاک هستند بعد از آن استان‌های بدخشان، قندهار، جنوب ارزگان، فراه و ... قرار دارند. مجموع کشت خشخاش در افغانستان در سال ۲۰۰۹ میلادی حدود ۱۲۳ هزار هکتار بوده است. مجموع تولید تریاک در افغانستان ۶۹۰۰ در همین سال تن بوده است که این میزان در مقایسه با سال ۲۰۰۸ میلادی حدود ۱۰ درصد کاهش داشته است.

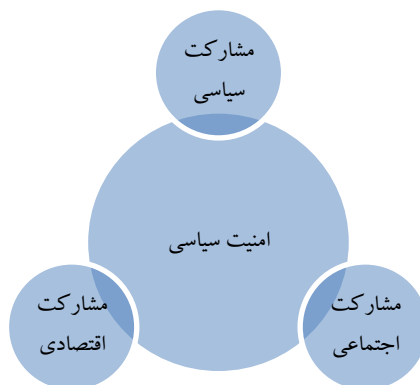
### پاکستان و مواد مخدر

در پاکستان، کشت خشخاش در مناطق گوناگون به خصوص استان‌های شمال غربی در مناطق عشایری و نواحی اسکان داده‌شده انجام می‌شده است. کشت قانونی خشخاش در

نواحی امکان داده شده با ارائه لایحه‌ای در سال ۱۸۷۵ تحت نظارت درآمد و تمام محصول با نرخ مشخصی به کارخانه تریاک در لاهور منتقل می‌گردید. زمانی که پاکستان استقلال یافت کل تریاک تولید شده بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ تن بود و افرادی که تریاک مصرف می‌کردند ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفر برآورد شده بودند. قبل از سال ۱۹۹۶ تولید سالانه تریاک بین ۱۴۰ تا ۱۸۰ تن برآورد می‌شد. بعد از آن کشت خشخاش به دلیل تلاش‌های وسیع دولت پاکستان در ریشه‌کنی به‌طور قابل توجهی کاهش یافت. در حال حاضر عمدتاً در مناطق عشایری دولت فدرال مهم‌اند با جوار و بخش‌های خیبر و همچنین در بعضی از مناطق دیر نیز کشت خشخاش صورت می‌گیرد. (قدمگاهی مرضیه بیگم، ۱۳۸۹)

مسیرهای ورودی مواد مخدر به استان‌های خراسان رضوی، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان: در جنوب خراسان، بیشترین میزان ورود کاروان‌ها و اشرار مسلح از منطقه تایباد، خواف و تربت‌جام صورت می‌گیرد، علت آن، وجود دو رشته ارتفاعات موازی از تربت‌جام و خواف به سمت افغانستان است که به اشرار و کاروان‌های قاچاق مواد مخدر این امکان را می‌دهد که با اتکا به این ارتفاعات و بیشتر با استفاده از دو آب و نفرات پیاده از مرز عبور نمایند وجود روستاهای متعدد در این محدوده و همچنین کشت و زرع تا محیط‌های مرزی، پوشش مناسبی برای تردد افراد غیربومی فراهم کرده است. در استان سیستان و بلوچستان ۳۲ مسیر اصلی ورود مواد مخدر به داخل شناسایی شده است. در استان خراسان ۹۰ مسیر اصلی ورود مواد مخدر به داخل کشور شناسایی شده است. در مجموع در سه استان خراسان رضوی، استان خراسان جنوبی، و استان سیستان و بلوچستان ۱۲۲ مسیر اصلی وجود دارد که مسیرهای فرعی زیادی از این مناطق منشعب می‌شود. عمده مسیرهای ورود مواد مخدر از پاکستان به استان سیستان و بلوچستان: پاکستان به سروان، پاکستان به خاش، پاکستان به میر جاوه، پاکستان به زاهدان، پاکستان به ایرانشهر است. سیستان و بلوچستان یکی از استان‌هایی است که از نظر نرخ مشارکت در هر سه حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در پلکان‌های پایین در بین استان‌های کشور قرار

دارد. این استان با جمعیت ۲۵۳۴۳۲۷ نفری ۲/۳ (مرکز آمار ایران) جمعیت کشور را به خود اختصاص داده است که از این تعداد ۱۰۷۹۰۸۲ نفر در شهر و تعداد ۱۰۷۲۴۸۶ نفر در روستاها زندگی می‌کنند، زاهدان مرکز استان و تعداد ۴۰ بخش، تعداد شهرستان: ۱۴ تعداد دهستان: تعداد شهر: ۱۰۲۳۷ پهناورترین استان کشور است. این در حالی است که مصرف کالا و خدمات در این استان پایین تر از حد میانگین آن نسبت به دیگر استان‌ها است. بر طبق آمارهای موجود، مناطق مرزی این استان از کمترین درجه توسعه یافتگی برخوردارند. این عامل سبب‌ساز برخی اقدامات غیرقانونی در این مناطق شده است، از جمله قاچاق مواد مخدر، کالا و پیوستن به گروه‌های تروریستی وابسته به سلفی‌ها و وهابی‌ها. از سوی دیگر مشارکت در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این مناطق نسبت به استان‌های مرکزی کشور در سطح پایین تری قرار دارد، و این امر باعث برقراری امنیت سیاسی پایدار را در برخی مناطق مرزی با مشکل مواجه کرده است. همچنین باعث تشدید برخی ناآرامی‌ها در این مناطق شده است، که این مشکلات هرچند به‌طور غیرمستقیم به دیگر بخش‌های ایران نیز منتقل شده است. آنچه که مسلم است، برقراری امنیت بدون مشارکت مردم عملی پر هزینه و ناپایداری است و در صورتی که هزاندازه مشارکت در بخش‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بیشتر باشد برقراری امنیت آسان‌تر می‌شود. بر همین اساس با افزایش رشد و شکوفایی اقتصادی بستر ناامنی از بین خواهد رفت. این رابطه در نمونه زیر در شکل زیر نشان داده شده است.

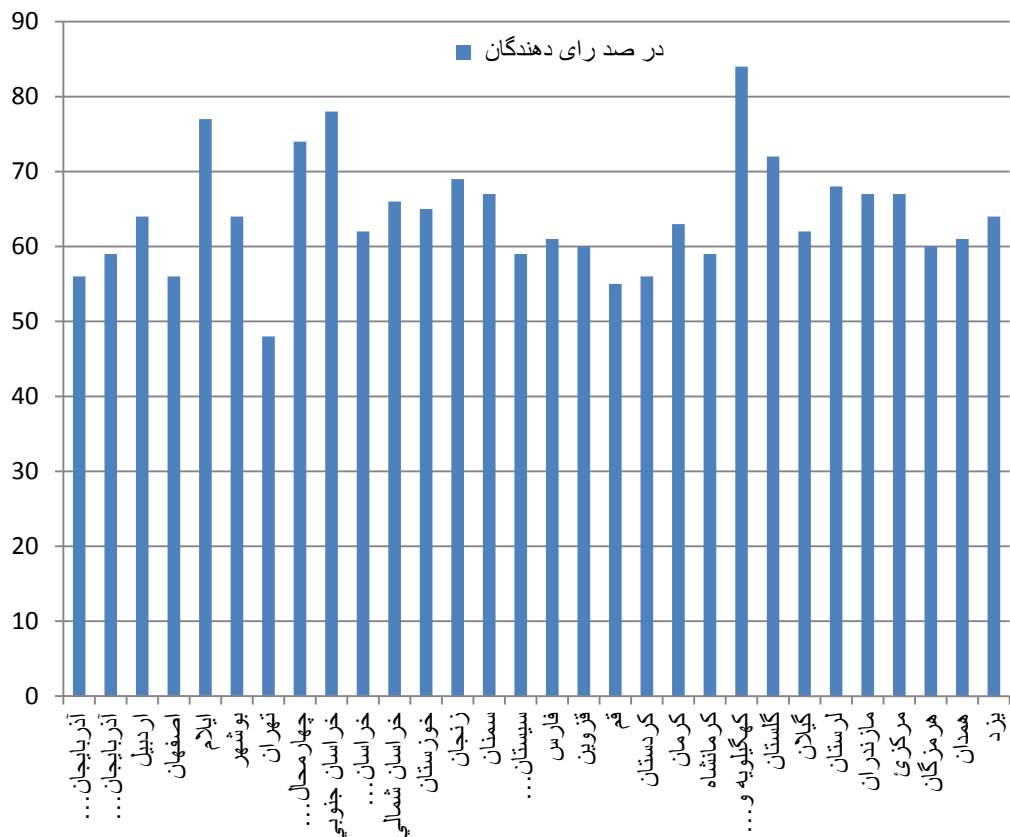




مشارکت مردم این استان در انتخابات برگزار شده ریاست جمهوری به طور میانگین پایین بوده است، به طوری که در ۹ دوره ۴۶٪ بوده است، که نسبت به استان‌های مرکزی پایین است. هر چند در دوره‌های نهم و دهم در صد مشارکت بالا رفته اما با احتساب دوره دهم که ۶۷٪ از یک میلیون و سیصد هزار <http://www.sbportal.ir/fa/news/3224> نفر واجد شرایط بوده است، نیز میانگین ۵۶.۵٪ می‌شود. به طوری که پایین‌ترین رتبه در بین استان‌های کشور است. به طوری که در جدول ۲-۴ ملاحظه می‌شود.

کد استان	نام استان	میانگین نرخ مشارکت	کد استان	نام استان	میانگین نرخ مشارکت
۱	آذربایجان شرقی	۰.۵۵	۱۶	فارس	۰.۶۶
۲	آذربایجان غربی	۰.۵۱	۱۷	فروزین	۰.۷۰
۳	اردبیل	۰.۵۶	۱۸	قم	۰.۸۰
۴	اصفهان	۰.۶۵	۱۹	کردستان	۰.۴۷
۵	ایلام	۰.۷۶	۲۰	کرمان	۰.۷۰
۶	بوشهر	۰.۶۷	۲۱	کرمانشاه	۰.۵۷
۷	تهران	۰.۶۲	۲۲	کهگیلویه و بویراحمد	۰.۷۶
۸	چهارمحال و بختیاری	۰.۶۴	۲۳	گلستان	۰.۶۷
۹	خراسان جنوبی	۰.۶۴	۲۴	گیلان	۰.۵۸
۱۰	خراسان رضوی	۰.۶۴	۲۵	لرستان	۰.۷۳
۱۱	خراسان شمالی	۰.۶۴	۲۶	مازندران	۰.۶۶
۱۲	خوزستان	۰.۵۷	۲۷	مرکزی	۰.۷۳
۱۳	زنجان	۰.۷۱	۲۸	هرمزگان	۰.۶۱
۱۴	سمنان	۰.۷۶	۲۹	همدان	۰.۶۷
۱۵	سیستان و بلوچستان	۰.۴۶	۳۰	یزد	۰.۷۸

استان سیستان و بلوچستان در انتخابات مجلس نیز مشارکت بالایی نداشته است، اما از انتخابات ریاست جمهوری بالاتر است. در انتخابات مجلس شورای اسلامی در طی میانگین ۸ دوره انتخابات استان سیستان و بلوچستان با میانگین ۵۹ درصد جزء استان‌های با مشارکت کم محسوب می‌شود. همان‌طور که در نمودار زیر مشخص است.

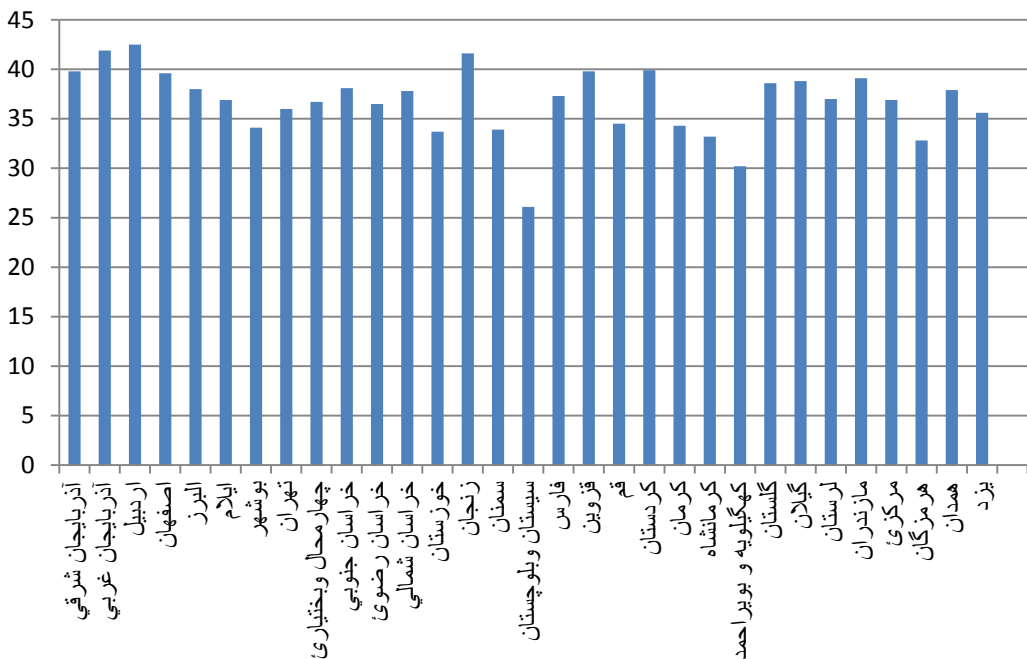


#### نمودار ۱-۴. میانگین مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی به تفکیک استان

یکی از شاخص‌هایی که در مورد اندازه‌گیری میزان توسعه اقتصادی در هر واحد سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد نرخ مشارکت اقتصادی است. بر اساس تعریف اداره آمار نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت) عبارت است از نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۰ ساله و بیش‌تر (یا ۱۵ ساله و بیش‌تر) به جمعیت در سن کار، ۱۰ ساله و بیش‌تر (یا ۱۵ ساله و بیش‌تر)، ضرب‌در ۱۰۰. استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین نرخ مشارکت اقتصادی را با ۲۶ درصد در آمارگیری سال ۱۳۹۰ در بین استان‌های کشور دارا است. هرچند در سال‌های

گذشته نرخ مشارکت اقتصادی بالاتر از رقم فعلی بوده است، به عنوان مثال در سال ۸۴ استان رقم نرخ مشارکت اقتصادی ۴۱ درصدی را تجربه کرده است. اما نسبت به دیگر استان‌ها باز هم عدد درخور توجهی در همان سال نیست. در سال ۱۳۹۰ نرخ مشارکت اقتصادی استان رقم ۲۶.۱ بوده است. جدول ۴-۵ میزان مشارکت اقتصادی به تفکیک استان‌های کشور از سال ۱۳۷۶-۱۳۹۰ را نشان می‌دهد.

مشارکت اقتصادی ۱۳۹۰

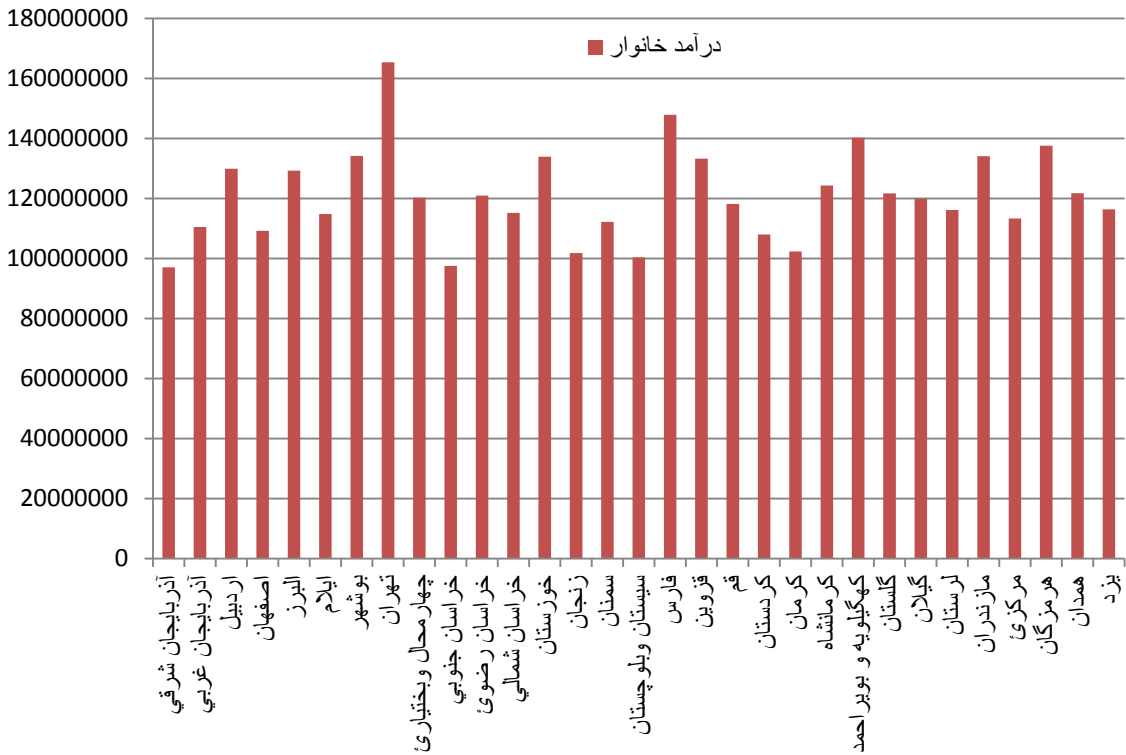


نمودار ۲-۴. مأخذ: مرکز آمار ایران.

از دیگر شاخص‌هایی که در اینجا مورد بررسی قرار می‌دهیم هزینه و درآمد خانوار است. درآمد خانوار سیستان و بلوچستانی در سال ۸۸ مبلغ ۶۵۱۴۱۵۳۳ ریال بوده است و در سال ۱۳۸۹ رقم ۷۹۴۸۹۲۲۹ بوده است که نسبت به سال ۸۸ رقم ۲۲.۳ رشد داشته است. این در حالی است که با توجه به اوج ترقی اقتصادی ایران در ۱۳۹۰ - ۱۳۸۹ بوده است. در سال

۹۰ مبلغ، ۱۰۰۳۹۱۶۶۶ ریال که جزء ۳ استان کم درآمد کشور در این سال است. این ۳ استان، یعنی استان‌های آذربایجان شرقی و خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان هر سه از استان‌های مرزی کشور هستند. جدول شماره ۴-۶ هزینه و درآمد خانوار را در سال‌های ۸۸، ۸۹ و ۹۰ نشان می‌دهد.

درآمد خانوار ۱۳۹۰



نمودار ۳-۴. مأخذ مرکز آمار

## مشارکت اجتماعی - فرهنگی سیستان و بلوچستان

مرز از لحاظ اجتماعی عرصه‌ای است که در آن ((هویت)) ساکنان آن می‌تواند به‌عنوان کلی از هویت سازگار تعریف شود. این گونه هویت سازگار همراه نوعی انعطاف، روند خاص خود را نسبت به آگاهی و ادراک نسبت به پدیده‌ها و عوارض به صورتی برپا می‌سازد که ممکن است با دیگر صور مشابه متفاوت باشد. این گونه هویت زمینه‌ساز نوعی حرکت و روند دائمی پیش‌رونده است و می‌تواند با نوعی پیوستگی اجتماعی شدید همراه گردد. از این رو هویت مرزنشین، برخلاف دیگر اعضای سرزمین اصلی، از گونه‌ای متفاوت از هویت تشکیل می‌شود که از طریق ارزش‌های جمعی هر دو سوی مرز تبیین می‌گردد، یعنی در عین حال که مرزنشینان را در درون و نیز در آن سوی مرز از یکدیگر مجزا می‌سازد، آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. بر این مبنا، مرزنشینان ضمن آن که خود را متعلق به قلمرویی مشخص (کشور خودی) می‌دانند، خویششان را شهروند نوعی فضای ذهنی و متصور نیز به شمار می‌آورند (گل وردی عیسی، ۱۳۹۰) با توجه به این موضوع باید این نکته را در نظر داشت که اغلب مشارکت اجتماعی مهم تلقی نمی‌شود، در صورتی که در عصر حاضر مسائل اجتماعی و فرهنگی از مسائل مهم و تأثیر گزار حتی در مقوله امنیت ملی هستند. دولت‌ها توجه خود را در حوزه فرهنگی و اجتماعی و توجه به مسائل خاص قومی بیش از پیش کرده‌اند. با این وجود مشارکت اجتماعی و فرهنگی علیرغم اقدامات مفید و رو به رشدی که در سال‌های اخیر در منطقه شده است، پتانسیل فراوانی دارد. بر همین اساس به چند شاخص اجتماعی و فرهنگی اشاره می‌شود.

**۱۸- میزان باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بیش تر بر حسب نقاط شهری و روستایی به تفکیک استان در سال ۱۳۹۰ (درصد)**

روستایی	شهری	کل	نام استان
			<b>کل</b>
۷۵/۱۰	۸۸/۵۶	۸۴/۷۵	آذربایجان شرقی
۷۳/۳۴	۸۵/۸۸	۸۲/۰۸	آذربایجان غربی
۷۰/۰۶	۸۳/۹۵	۷۸/۸۴	اردبیل
۷۲/۶۰	۸۵/۳۶	۸۰/۳۷	اصفهان
۷۹/۳۴	۸۹/۲۱	۸۷/۷۷	البرز
۸۲/۱۶	۹۱/۰۷	۹۰/۳۳	ایلام
۷۴/۵۰	۸۶/۸۳	۸۲/۳۵	بوشهر
۸۱/۷۰	۸۴/۶۱	۸۳/۶۴	تهران
۷۹/۳۶	۹۱/۳۰	۹۰/۳۶	چهارمحال و بختیاری
۷۶/۱۸	۸۷/۰۷	۸۲/۵۴	خراسان جنوبی
۷۲/۸۷	۸۹/۹۰	۸۲/۴۸	خراسان رضوی
۷۷/۳۳	۸۹/۷۵	۸۶/۳۰	خراسان شمالی
۷۲/۳۹	۸۷/۶۶	۸۰/۳۶	خوزستان
۷۳/۴۰	۸۷/۶۵	۸۳/۵۵	زنجان
۷۳/۷۹	۸۷/۴۳	۸۲/۳۵	سمنان
۷۸/۷۸	۹۱/۳۷	۸۸/۴۰	سیستان و بلوچستان
۶۱/۸۶	۸۱/۴۴	۷۱/۵۶	فارس
۷۹/۹۵	۸۹/۴۰	۸۶/۳۲	قزوین
۷۶/۹۴	۸۶/۷۰	۸۴/۰۸	قم
۷۱/۶۲	۸۷/۳۶	۸۶/۵۸	کردستان
۶۹/۵۰	۸۲/۳۳	۷۷/۹۷	کرمان
۷۵/۳۲	۸۷/۳۴	۸۲/۲۰	کرمانشاه
۷۳/۸۸	۸۵/۱۸	۸۱/۷۲	کهگیلویه و بویراحمد
۷۴/۳۱	۸۸/۷۴	۸۱/۹۱	گلستان
۷۷/۶۴	۸۸/۰۲	۸۳/۰۰	گیلان
۷۴/۸۲	۹۰/۵۲	۸۴/۲۹	لرستان
۷۳/۴۶	۸۴/۸۰	۸۰/۴۴	مازندران
۸۰/۴۲	۹۰/۰۵	۸۵/۷۰	مرکزی
۷۰/۹۷	۸۸/۴۱	۸۳/۸۴	هرمزگان
۷۷/۵۲	۸۹/۸۴	۸۳/۶۷	همدان
۷۵/۹۱	۸۷/۱۰	۸۲/۵۷	یزد
۷۸/۹۳	۸۹/۶۴	۸۷/۷۸	

میزان باسوادی در استان سیستان و بلوچستان رقم ۷۱/۵۶ در صد است که با توجه به ارقام دیگر استان‌ها پایین ترین رتبه را کسب می کند. البته این رقم در سال‌های پیش پایین تر از این بوده است و در سال ۸۲ رقم ۶۱ درصد را شاهد بوده ایم. این رشد نشان دهنده

تلاش‌هایی است که در این زمینه صورت گرفته است. باین حال این رقم نشان‌دهنده سطح پایین یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی و فرهنگی در این استان است.

### شاخص‌ها و نماگرهای فرهنگی ۱۳۹۰

عنوان شاخص یا نماگر	واحد	مقدار/تعداد	درصد تغییر نسبت به فصل قبل	درصد تغییر نسبت به فصل مشابه سال قبل
تعداد عناوین کتاب‌های منتشر شده	عنوان	۷	-۱۲/۵	۱۳۳/۳
تعداد شمارگان کتاب‌های منتشر شده	هزار نسخه	۲۱	۱۶/۷	۳۲۰/۰
تعداد عناوین کتاب‌های تالیف شده	عنوان	۴	×	-۵۰/۰
تعداد عناوین کتاب‌های ترجمه شده	عنوان	۳	-۴۲/۵	۰/۰
تعداد عناوین نشریات	عنوان	۷۰	۰/۰	۱۸/۴
تعداد شمارگان نشریات	هزار نسخه	۱۳۸	۰/۰	-۱۰/۱
تعداد عناوین مطبوعات انتشار یافته	عنوان	۴۸	۲۶/۳	۷۱/۴
تعداد شمارگان مطبوعات انتشار یافته	هزار نسخه	۱۳۸	-۹/۷	-۱۰/۱
تعداد عناوین مجله‌ها	عنوان	۵۳	۰/۰	۲۹/۳
تعداد شمارگان مجله‌ها	هزار نسخه	۵۷	-۳۷/۴	-۰/۹

مأخذ - اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان .

### نتیجه‌گیری

استان سیستان و بلوچستان از نرخ مشارکت سیاسی پایینی نسبت به دیگر استان‌های کشور برخوردار است. این در حالی است که یکی از مصادیق رضایت و ایجاد احساس تأثیرگذار بودن در تصمیم‌گیری‌های حکومتی مشارکت سیاسی است. این موضوع سبب می‌شود تا احساس بی‌تأثیری در اداره امور سیاسی در بین مردم تقویت شود.. تشکلهای مردمی و آحاد مردم می‌توانند در مبارزه با ناامنی و برقراری امنیت به مقام‌های رسمی و دولتی کمک نمایند. از سوی دیگر مشارکت اقتصادی می‌تواند تأثیر به‌مراتب بیشتری بر ایجاد امنیت داشته باشد، و تأثیر قابل توجهی بر انگیزه حفظ و پاسداری از امنیت نزد افراد داشته

باشد. نظام مشارکتی (جامعه مدنی) باید آزادی‌های اقتصادی برای حضور و شکوفایی بخش خصوصی فراهم آورد. با توجه به اهمیت این موضوع، مشارکت اقتصادی مردم استان سیستان و بلوچستان در سطح پایین قرار دارد، اشتغال کم و بیکاری بالا که در سال ۱۳۹۱ رقم ۱۶/۱ درصد در مناطق شهری و ۷/۵ در مناطق روستایی است و همچنین جذب پایین سرمایه در استان، سبب ایجاد جمعیت بی‌کار می‌شود، و این موضوع به دلیل بالا رفتن اعتیاد و دیگر عوارض اجتماعی ناشی از آن، خطری برای امنیت پایدار محسوب می‌شود. نرخ مشارکت اقتصادی در استان سیستان و بلوچستان رقم ۲۶/۱ در سال ۱۳۹۰ و ۲۷/۱ در ۱۳۹۱ بوده است. فرد بیکار، پس از مدتی استحال می‌شود و اینجاست که دیگر برای او ارزش‌ها معنی و مفهوم خود را از دست می‌دهد و ممکن است حتی به ضد ارزش بدل شود و بدیهی است که رنگ باختن ارزش‌ها در یک جامعه زمینه را برای تهدید امنیت آن جامعه فراهم می‌کند. از سوی دیگر سهم درآمد خانوار این استان، رقم ۱۰۰۳۹۱۶۶۶ ریال به‌طور میانگین در سال ۱۳۹۰ بوده است که به همراه دو استان مرزی دیگر آذربایجان غربی ۱۱۵۰۷۷۴۴ و خراسان جنوبی ۹۷۵۳۵۵۰۲ پایین‌ترین درآمد را در میان خانوارهای ایرانی به خود اختصاص داده است. طبق یافته‌های اکولوژی اجتماعی، خشونت‌های اجتماعی، بالاترین میزان ناآرامی و ناهنجاری در گروه سنی ۳۰-۱۷ سال دیده می‌شود. جوانان و نوجوانانی که عموماً به خانواده‌های کم‌درآمد تعلق دارند. طبق آمار، ۶۸ درصد اعمال خلاف اجتماعی اعم از قتل، ضرب و جرح، اعمال خلاف قانون و پیوستن به گروه‌های تروریستی توسط افراد زیر ۳۰ سال انجام می‌شود. این موضوع به این نکته اشاره دارند که نیاز به درآمد، تحصیل، تخصص‌های اجتماعی، مسکن مناسب، و دیگر ملزومات زندگی متوسط و قابل قبول و عدم دستیابی به این نیازها سبب فشارهای روانی می‌شود و چون درمانی برای برطرف ساختن این کمبودها ملاحظه نمی‌شود این عده همواره حل مسائل زندگی خود را از طریق برخوردهای شدید دنبال می‌کنند. این موضوع در بلندمدت سبب افزایش انگیزه به کسب درآمدهای غیرقانونی می‌گردد. از طرف دیگر با توجه به



فعالیت‌های گروه‌های فرقه‌گرا در این مناطق، بستر مناسبی برای فعالیت این گونه گروه‌ها فراهم می‌آید. مشارکت اجتماعی از جمله موارد مهم دیگری است که توجه به آن از جمله مصادیق دستیابی به امنیت پایدار است. از جمله شاخص‌های مشارکت اجتماعی وجود و پیوستن به گروه‌ها و سازمان‌های قانونی غیردولتی است. جامعه مدنی نمود بارز مشارکت اجتماعی است. هر اندازه جامعه مدنی در جامعه فعال‌تر باشد، ارتباط بین مردم و حکومت بیشتر شده و در نهایت احساس نارضایتی کم‌رنگ‌تر می‌شود. البته کم‌رنگ بودن سازمان‌های غیردولتی موضوعی است که در کل کشور ایران وجود دارد و مختص استان سیستان و بلوچستان نیست، اما در صورت فعال بودن جامعه مدنی می‌توان این انتظار را داشت که از طریق ایجاد رابطه بهتر بین دولت و مردم در نهایت به مشارکت حداکثری مردم در حفظ و برقراری امنیت دست پیدا کنیم. در همین راستا شاخص‌هایی که در مورد توسعه اجتماعی و فرهنگی مطرح است، مواردی از قبیل میزان جمعیت باسواد، تعداد انتشارات و تعداد کتابخانه و غیره است. در سیستان و بلوچستان با توجه به اقدامات انجام گرفته در این زمینه رشد نسبی شاخص‌های فوق را شاهد هستیم، اما این میزان با توجه به دیگر استان‌های مرکزی کشور پایین است. میزان باسوادی در استان سیستان و بلوچستان رقم ۷۱/۵۶ در صد است که با توجه به ارقام دیگر استان‌ها پایین‌ترین رتبه را کسب می‌کند. البته این رقم در سال‌های پیش پایین‌تر از این بوده است و در سال ۸۲ رقم ۶۱ درصد را شاهد بوده‌ایم. این رشد نشان‌دهنده تلاش‌هایی است که در این زمینه صورت گرفته است. با این حال این رقم نشان‌دهنده سطح پایین یکی از شاخص‌های اصلی توسعه اجتماعی و فرهنگی در این استان است. از دیگر شاخص‌ها و نماگرهای فرهنگی در سال ۱۳۹۰ که در استان سیستان و بلوچستان مورد بررسی قرار گرفت از این‌قرار است: تعداد عناوین کتاب‌های منتشر شده ۷ عنوان، تعداد شمارگان کتاب‌های منتشر شده ۲۱ هزار نسخه، تعداد عناوین کتاب‌های تألیف شده ۴ عنوان، تعداد عناوین کتاب‌های ترجمه شده ۳ عنوان، تعداد عناوین نشریات ۷۰ عنوان، تعداد شمارگان کل نشریات ۱۳۸ هزار نسخه، تعداد عناوین

مطبوعات انتشار یافته ۴۸ عنوان، تعداد شمارگان مطبوعات انتشار یافته ۱۳۸ هزار نسخه، تعداد عناوین مجله‌ها ۵۳ عنوان، تعداد شمارگان مجله‌ها ۵۷ هزار نسخه. با این اوصاف مشارکت در هر سه حوزه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی علاوه بر ایجاد حس امنیت، باعث ایجاد همسویی و همکاری در طرح‌های امنیتی می‌گردد. مشارکت از ایستادگی مردم در برابر دگرگونی، نوسازی، نوآفرینی می‌کاهد و بر سازگاری آن‌ها می‌افزاید. این امر در جامعه‌ای که کماکان تحت تأثیر مناسبات سنتی اداره می‌شود، موضوع قابل ملاحظه‌ای محسوب می‌شود. تحقیقات نشان داده‌اند هرگاه انسان در پدید آوردن امری مشارکت کند، از آن پشتیبانی خواهد کرد. مشارکت کناره‌گیری و تفرد را از میان برمی‌دارد. در ثانی رشد و توسعه را شتاب می‌بخشد. بر همین اساس مشارکت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر تأمین امنیت سیاسی در مناطق مرزی تأثیر مثبت دارد. بر همین اساس، استفاده از ظرفیت‌های مشارکتی مردم اساس برقراری امنیت پایدار در مناطق مرزی است و راهکارهایی که برای برقراری امنیت در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان پیشنهاد می‌گردد به ترتیب زیر است:

- توسعه اقتصادی و اجتماعی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان که به دو شکل می‌تواند در مشارکت مردم تأثیر گذارد:

۱- از طریق تحریک اجتماعی: تحریک اجتماعی باعث بالا رفتن منزلت اجتماعی فرد می‌گردد؛ که خود موجب احساس توانمندی و کارایی بالاتر و قدرت تأثیرگذاری در تصمیم‌گیر دستگاه‌های عمومی و نتیجتاً باعث مشارکت بیشتر فرد در امور اجتماعی و سیاسی می‌گردد. این تحریک بیشتر نتیجه یک توسعه اقتصادی است.

۲- از طریق عضویت سازمانی: داشتن مشارکت فعال در سازمان‌های جمعی، باعث می‌گردد که مشارکت سیاسی - اجتماعی افراد خودبه‌خود بالا رود و افراد از طریق جو حاکم بر این گروه‌ها و سازمان‌ها در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی درگیر شوند. این مجرای مشارکتی به مراتب از مجرای اول (تحریک اجتماعی افراد) تأثیرگذارتر است.

- واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به مردم، فراهم کردن زمینه برای گسترش بخش خصوصی در اقتصاد و مهم‌تر از همه ایجاد طرح‌های اشتغال‌زا.
- بکارگیری متوازن افراد از هر دو مذهب اصلی شیعه و اهل سنت در امور سیاسی و رأس امور حکومتی در منطقه. در این صورت مردم بیشتر احساس تأثیرگذار بودن در امور سیاسی خویش می‌کنند و میزان مشارکت سیاسی بالا می‌رود.
- گسترش فرصت‌های آموزشی و تحصیلات عالی و همچنین افزایش سطح سواد در منطقه که موجب افزایش سطح آگاهی و همچنین ایجاد فرصت‌های شغلی در منطقه می‌شود. بر اساس شاخص‌ها و نماگرهای امور قضایی استان سیستان و بلوچستان در سال ۹۰ و ۱۳۹۱، تعداد زندانیان بالاتر از دیپلم کمتر از ۳۰۰ نفر بوده است، در حالی که تعداد زندانیان بی‌سواد بیش از ۲۵۰۰ نفر بوده است. بر همین اساس ملاحظه می‌شود که میزان تحصیلات بر انگیزه اعمال خلاف قانون تأثیر مستقیم دارد.
- ایجاد بستر مناسب و همچنین تسهیل کردن امور برای ایجاد و افزایش سازمان‌های غیردولتی و مردمی.
- مبارزه همه‌جانبه با قاچاق مواد مخدر از طریق مرزهای استان و همچنین به کارگیری مشارکت مردم در مقابله با این پدیده که یکی از مهم‌تری عوامل ناامنی در منطقه می‌باشد. بر همین اساس اقداماتی که می‌توان انجام داد، آموزش‌های لازم در امر مبارزه با مواد مخدر در بین مدارس، مساجد و منازل مرزنیسان می‌باشد و استفاده از ظرفیت‌های مردمی همچون بسیج در کنترل و آموزش.
- گسترش همکاری با کشورها و همچنین سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی و ایجاد نهادهایی که وظیفه آموزش ویژه مردم این مناطق و مبارزه با تولید و قاچاق مواد مخدر در بین کشورهای عمده تولیدکننده مواد مخدر را داشته باشد.
- برنامه‌ریزی برای استفاده از منابع و استعدادهاى منطقه برای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی. این امر سبب می‌شود تا با رشد اقتصادی و تولیدی منطقه فرصت‌های شغلی

بیشتری فراهم آید. در نتیجه شاهد افزایش مشارکت اقتصادی هستیم. همچنین در نتیجه کاهش توسعه نامتوازن در مناطق مرکزی و پیرامونی کشور که یکی از علل ناامنی در مناطق پیرامونی همچون مناطق مرزی سیستان و بلوچستان است از بین می‌رود.

## فهرست منابع

- آرون ر. (۱۳۶۳). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی تهران.
- اقبالی ر. ع. (۱۳۹۰). نقش و جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام برنامه‌ریزی مطالعه موردی: مناطق مرزی ایران فصلنامه علمی. پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی - سال سوم، شماره چهارم، پاییز، ص ۱۹۴.
- بیگدلی ر. ع. (۱۳۸۱). جهانی‌شدن و امنیت ملی ایران، مجله امنیت، سال پنجم، شماره ۲۱ و ۲۲ ص ۲۲۱.
- جهانبانی امان‌الله (۱۳۳۸). سرگذشت بلوچستان و مرزهای آن. تهران: بی‌نا،.
- ریمون ر. آ. (۱۳۶۳). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی .
- سعیدی ر. م. (۱۳۸۲). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی. تهران: سمت .
- شایان ر. ح. (۱۳۸۳). تنگناهای توسعه در استان‌های مرزی کشور،.
- عالم ر. ع. (۱۳۷۳).، بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.
- عندلیب ر. ع. (۱۳۸۰). نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی ج ۱.۱. دوره عالی جنگ.
- عیسی گل وردی (۱۳۹۰۹). محدودیت‌ها و فرصت‌های توسعه اجتماعی - فرهنگی نواحی مرزی، فصلنامه ره نامه سیاستگذاری سال دوم، شماره سوم. ص ۱۷.
- غفاری ر. غ. (۱۳۸۰). تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی، اقتصادی سازمان‌یافته روستاییان به‌عنوان سازوکاری برای توسعه روستایی ایران، تهران: پایان‌نامه دکتری، رشته جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ص ۱۴۷.

- قادری حاجت، مصطفی (۱۳۸۹). تبیین نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون مطالعه موردی: بازارچه‌های مرزی استان خراسان جنوبی، ژئوپلیتیک.
- قدمگاهی مرضیه بیگم، و. غ. (۱۳۸۹). مقایسه اثرپذیری مناطق مرزی و مرکزی کشور از مواد مخدر و تأثیر آن بر اقتصاد، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی - سال دوم، شماره چهارم، پاییز.
- گل وردی عیسی. (۱۳۹۰). محدودیت‌ها و فرصت‌های توسعه اجتماعی - فرهنگی نواحی مرزی. رهنامه سیاست گذاری سال دوشم سوم بهار.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۶۹). بررسی زمینه‌های مشارکتی روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران: انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهان سازندگی، ص ۲۳.
- محمدی، ر. (۱۳۸۴). نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه فضایی مناطق مرزی پژوهش موردی: بازارچه مرزی باجگیران. (ژئوپلیتیک شماره ۱).
- نبی زاده سرابندی، رس. (۱۳۸۴). بی‌عدالتی در فرصت‌های آموزشی سیستان و بلوچستان، پژوهش زنان.
- نیازی، م. (۱۳۸۳). تاملی در مورد رابطه بین ساختار قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی شماره ۲۳، صص ۱۱۱-۱۱۲.
- <http://www.sbportal.ir/fa/news/3224>. (n.d.).
- ston, M. (2001). Security According to Buzan: A Comprehensive Security Analysis.
- (n.d.). Retrieved from -amar.org.ir.